



مصادیق امنیت در حکومت اسلامی از منظر اندیشه امام خمینی(ره)

سیدمحمدجواد قربی*^۱

۱. کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشگر تاریخ انقلاب و اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰ | پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰ | ایمیل نویسنده مسئول: ghorbi68@yahoo.com

چکیده

امنیت در حکومت اسلامی از نعمت‌های الهی است؛ زیرا تعالی حکومت و مردم در فضای امن و ایمن از آسیب‌ها، خطرات و تهدیدات تحقق می‌یابد. امام خمینی(ره) تامین امنیت، رفاه و آسایش عمومی را از وظایف حکومت اسلامی بر می‌شمارد و معتقدند که یکی از فلسفه‌های تشکیل حکومت در اسلام، برپایی امنیت و رفع تهدیدات از جوامع انسانی می‌باشد. از آنجایی که برپایی امنیت در جامعه اسلامی نیازمند شناسایی مولفه‌ها و مصادیق امنیت دارد، این مقاله سعی دارد به بررسی امنیت در حکومت اسلامی بپردازد و با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی نیز آراء امام خمینی(ره) را مورد مذاقه قرار دهد. سوال اصلی به این قرار است؛ امنیت از منظر امام خمینی(ره) شامل چه مولفه‌هایی می‌گردد؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که امام خمینی(ره) به مقوله امنیت از منظر دین و روایات اسلامی می‌نگرند و به همین دلیل، از امنیت به عنوان نعمتی مجهول و گوارا یاد می‌کنند که با سلامت، آرامش و استقلال هم‌نشین است و ممکن است مورد تهدید واقع شود و از این رو، وظیفه حکومت است که امنیت را تامین نماید. امنیت در مکتب امام(ره) اشاره به مولفه‌هایی همچون؛ نظم بلاد و ایمن

دوفصلنامه علمی پژواک جامعه

در
مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ ایران

شاپا (الکترونیکی): ۲۸۲۱-۱۲۹۴
http://pjj.iranmehr.ac.ir
دوره ۳ | شماره ۱ | صص ۱۹۷-۱۷۴
بهار و تابستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(قربی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

قربی، سیدمحمدجواد. (۱۴۰۱). مصادیق امنیت در حکومت اسلامی از منظر اندیشه امام خمینی(ره). پژواک جامعه در مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ ایران، ۳(۱): ۱۷۴-۱۹۷.

سازی سامان سیاسی، رفاه عمومی، آرامش جامعه، ایمن بودن از بلایا، در امان بودن جان، مال و ناموس مردم در جامعه، استقلال همه جانبه و... دارد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، حکومت اسلامی، رفاه عمومی، آسایش، استقلال حقیقی، امام خمینی(ره).

مقدمه و بیان مسئله

آزادی، عدالت، رفاه، مصلحت عمومی، مردم سالاری دینی، امنیت و غیره از عمده ترین ارزش‌های سیاسی می‌باشند که اهداف کم و بیش مشترک و مورد قبول همه حکومت‌ها را تشکیل می‌دهند. (شاه حسینی، ۱۳۷۶: ۳۴۶) تاثیرپذیری امنیت از اقتصاد، سیاست، فرهنگ، فناوری و... و تاثیرگذاری آن بر ابعاد مختلف توسعه و زندگی انسان، به آن نقشی بنیادین داده است. حاکمانی که دغدغه عدالت داشته اند، امنیت را شرط ضروری عدل دانسته اند و کسانی که به رفاه می‌اندیشیده اند، آن را عامل اصلی آسایش شمرده اند و آنان که بر توسعه سیاسی یا اقتصادی اهتمام داشته اند، امنیت را عامل و حاصل آن تلقی کرده اند و همه کسانی که برای حاکمیت ارزش‌های معنوی تلاش دارند، آن را مقدمه این واجب می‌دانند. (خسروی، ۱۳۹۴: ۲۷) با این اوصاف، برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها در نظام سیاسی مردم سالار و ارزشمدار، عنصر امنیت و تامین آرامش در جامعه حائز اهمیت است. به طور اصولی انسان برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی نیز به وجود امنیت و احساس امنیت نیاز دارد. از منظری دیگر، بین حکومت و تامین امنیت ارتباطی وثیق وجود دارد که این ارتباط در نظام‌های مردم سالار و دین محور، دوچندان است و با توجه به گستره تهدیدات موجود پیرامون امنیت بشری، برقراری و ایجاد امنیت به مثابه یک دغدغه مهم محسوب می‌گردد. (قربی، ۱۳۹۳: ۳۵۸) در نقطه مقابل، یک نظام سیاسی اقتدارگرا و توتالیتر نمی‌تواند امنیت حقیقی را به ارمغان

آورد زیرا سیاست زدگی و مداخله گری لجام گسیخته در زندگی شهروندان و همه شئون اجتماعی را به همراه دارد. (آدمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۹) به اعتقاد امام خمینی (ره)، «با استقرار حکومت اسلامی همه قشرهای ملت در کنار یکدیگر با امن و امان و رفاه، به خواست خدای متعال ادامه زندگی می‌دهند.» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۲۱) در همین راستا، این مقاله با مفروض گرفتن اهمیت امنیت در حکومت اسلامی و تاثیر آن بر رشد و تعالی حکومت و امت اسلامی، تلاش دارد به بررسی مصادیق امنیت بپردازد. به عبارتی دیگر، مصادیق‌های امنیت در حکومت اسلامی را مورد مذاقه قرار دهد و از آنجایی که امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به این موضوع توجه داشته اند، تلاش می‌گردد که آراء و اندیشه‌های ایشان مورد واکاوی و بررسی قرار گیرد.

۱. رویکرد مفهومی و نظری

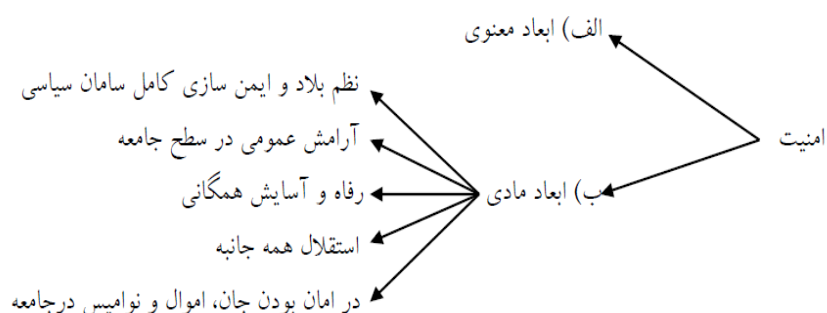
امنیت در حکم مهمترین کالا در حکومت‌های امروزی است (شاکری، ۱۳۸۵: ۷۳۸ و قربی، ۱۳۹۴: ۸۸) و به لحاظ لغوی، امنیت به معنای در امان بودن، بی‌بیمی، آسایش، بی‌هراسی، اطمینان و سکون قلب است. (افتخاری و نمازی، ۱۳۸۹: ۹ و رجبی پور، ۱۳۸۴: ۸۸) راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن در ذیل امنیت آورده است که؛ اصل امنیت، طمأنینه و آرامش نفس و از میان رفتن ترس و خوف است. امن و امانت و امان در اصل مصدر هستند و به حالت و وضعی اطلاق می‌گردد که انسان در آرامش باشد. گاه نیز بر چیزهایی اطلاق می‌شود که انسان بر آن امانت دار و امین است.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰) از این رو، خوف در نقطه مقابل امنیت قرار دارد. (عبدالرحمن، بی تا، جلد ۱: ۲۸۳) در این رابطه، خداوند کریم در آیه ۴ سوره مبارکه قریش می‌فرماید: «اوست کسی که آنان را از نظر معیشت تامین کرد و از ترس امانشان داد.» پس از منظر قرآن کریم، انسان‌ها برای ادامه زندگی نیازمند فضایی امن و روابطی امنیت آفرین هستند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۶: ۱۴۱) بنابراین می‌توان بیان کرد که امنیت در قرآن و روایات نیز شامل دو بعد ایجابی و سلبی است. از یک سو، اطمینان، آرامش فکری و روحی، و از سوی دیگر، نبود خوف،

دلهره و نگرانی، که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌گردد. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷: ۱۸۴ و خسروی، ۱۳۹۰)

کاربرد واژگانی چون «اطمینان» و «سکینه» در کنار مفاهیم سخت افزاری همچون «عدم ترس» و «دفع خطر» دلالت بر آن دارد که امنیت واقعی تنها در صورتی محقق می‌شود که جسم و روح انسان به آرامش دست یابد. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۳۵)

امام صادق(ع) در این خصوص می‌فرمایند: «نعمت دنیا، امنیت و تن درستی است و کامل شدن نعمت در آخرت، رفتن به بهشت است. تا زمانی که بنده وارد بهشت نشود، هرگز نعمت را کامل به دست نیاورده است.» (شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ۴۰۸ و ری شهری، ۱۳۹۳: ۲۳) جوهره اسلام بر «سلام» و «ایمنی» قرار دارد، چنان که حضرت علی(ع) اسلام را مایه امان دانسته که هر کس در آن درآویخت به آرامش و امنیت خواهد رسید. (افتخاری، ۱۳۸۳: ۴۲۷-۴۲۶) به همین دلیل، ویژگی اصلی گفتمانی که اسلام پدید آورد نیز عبارت از آرامش بیرونی، اطمینان درونی و تامین امنیت بود. (رنجبر، ۱۳۸۵: ۷۴) با این اوصاف، امنیت ملی اشاره به امنیت همه جانبه ای دارد که زمینه رشد و تعالی همه اعضای جامعه و کشور را فراهم کند. (لک زایی، ۱۳۹۲: ۱۹۹-۱۹۸) البته نباید این موضوع را نادیده گرفت که سطح تحلیل امنیت همه جانبه، نه فرد و نه دولت، بلکه نظامی برآمده از تعامل افراد و گروه هاست. در امنیت ملی پایدار، سخن از بقا و بالندگی هویت فردی، گروهی و حتی ملی است. (عباس زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۳۵ و نصری، ۱۳۸۴: ۳۱۷) در یک نظام سیاسی، معمولاً جایگاه و هدف‌های امنیت در تئوری و عمل بسیار محدودتر از مولفه‌ها و عوامل امنیت است. در نظام سیاسی اسلام نیز همین گونه است؛ زمانی که خداوند متعال به وجوب «اعداد قوا» (تدارک مولفه‌های قدرت) برای مسلمان‌ها به منظور حفظ انقلاب محمدی اشاره می‌کند، انبانی از قوه‌ها، قدرت‌ها و ابزارهای نیرومند شدن را به مسلمان‌ها ارزانی می‌دارد که می‌تواند هم نهادهای ثابت، هم سازوکارهای متغیر و هم ابزار را در بر بگیرد؛ زیرا با تنوع روزافزون سازوکارها و ابزارهای موثر در امنیت و امنیت ملی به یقین مسلمان‌ها نمی‌توانستند و نمی‌توانند به یک یا چند ابزار محدود بسنده کنند. (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۳) در یک جمع

بندی از مفهوم امنیت می‌توان بیان داشت که امنیت به معنای امان، آسایش و حفظ هویت حقیقی و نبود تهدیدات چندلایه و پیچیده است و براساس چنین نگرشی، امنیت ملی اشاره به وضعیتی دارد که هویت جمعی، ارزش‌های حیاتی، مرزهای جغرافیایی، نظام سیاسی و افراد انسانی در برابر تهدیدات و چالش‌های داخلی و خارجی حفاظت شوند.



۲. حکومت اسلامی و امنیت از منظر امام خمینی(ره)

حکومت و امنیت همیشه همراه و همزاد یکدیگر بوده اند و شکل گیری دولت عمدتاً به خاطر حمایت و حفاظت از انسان‌ها در برابر یکدیگر پدید آمده است. (غریاق زندی، ۱۳۸۷: ۷۲۷) در نظام اسلامی، حکومت باید سعی نماید تا تمام مقدماتی را که برای نیل به سعادت لازم است را تامین نماید. یکی از این مقدمات نیز امنیت است اما وظایف حکومت اسلامی محدود به آن نیست. (لاریجانی، ۱۳۷۶: ۳۵-۲۹) از منظری دیگر، حکومت در درون دولت اسلامی و برای تحقق اهداف، آرمان‌ها و مسئولیت‌های آن به وجود می‌آید و در واقع، بخش یا رکنی از دولت و نظام کلی سیاسی جامعه است که مهمترین آن اهداف، یعنی رعایت و حفظ مصالح و شئون و حقوق افراد جامعه بر مبنای دین اسلام و مصالح عمومی است. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۶۲-۶۳) در همین راستا، یکی از حقوق اولیه مردم، حق امنیت است که حکومت اسلامی موظف به تامین مصادیق و مولفه‌های آن است و علت آن را می‌توان این گونه تشریح نمود که محیط امن مقدمه تحولات اساسی و دگرگونی در ساختار نظام اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۴)

برقراری نظم و امنیت به اعتقاد امام(ره) نخستین رسالت حکومت است که به نوعی مقدمه ورود به معانی عمیق تر امنیت منبعت از ایمان است. به عبارتی دیگر، معنای امنیت در این سطح با معنای امنیت در تمامی مکاتب که مترادف با مفهوم نظم است، مشترک است. (خسروی، ۱۳۹۱: ۱۵۱-۱۴۸) از نگاه امام خمینی(ره)، بدون وجود نظم و امنیت امکان تحقق سایر اهداف حکومت از سازندگی مادی تا اجرای احکام الهی و سازندگی معنوی غیرممکن است. برقراری نظم اگرچه نازل ترین سطح از معنای امنیت در مکتب امنیتی امام خمینی(ره) است اما مقدمه تحقق سایر اهداف امنیت بخش حکومت و به عبارتی، لازمه تحقق معانی عمیق تر امنیت است. (خسروی، ۱۳۹۱: ۱۵۱-۱۴۸) پس، یکی از دلایل تشکیل حکومت اسلامی از دیدگاه امام(ره) تامین امنیت عمومی و رفاه نسبی اعضای جامعه در تمامی ابعاد زندگانی می باشد چون بدون امنیت و رفاه نیز افراد جامعه نمی توانند استعدادهای خود را شکوفا سازند و در مسیر سازندگی جامعه قرار گیرند و در این صورت، امکان رشد و توسعه از جامعه اسلامی سلب می گردد. به همین دلیل، امام خمینی(ره) نوید حکومت اسلامی را با امنیت عمومی، آزادی، استقلال و رفاه می دهند. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۶۱۵) ایشان در این مورد به حکومت امام علی(ع) اشاره می کنند که مردم در آن امنیت دارند و هیچ خوف و ترسی از حکومت ندارند و این حکومت را الگوی امنیت ساز معرفی می نمایند: «برای حضرت امیر باید بگیرند که در زیر شمشیر او مردم در پناه هستند، مردم در امان هستند؛ هیچ کس نمی ترسد در حکومت او آلا از خودش؛ از حکومت نمی ترسد. برای اینکه حکومت حکومت عدل است. اصلش حکومت عدل ترس ندارد.» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۶۷) امام خمینی(ره) حکومت اسلامی را منشأ امنیت اعلام می کنند. (صحیفه امام، ج ۵: ۳۴۸) به هر روی، یکی از نهادهای اصلی تامین کننده امنیت، حکومت اسلامی است که از منظر امام(ره) باید مورد توجه مسئولین قرار گیرد تا مردم در شرایطی امن قرار گیرند و حس امنیت داشته باشند (قربی و موسوی، ۱۳۹۳: ۸۴).

۳. برداشت‌هایی از امنیت در مکتب امام خمینی(ره)

گستره مباحث امنیتی در آثار امام خمینی(ره) وسیع است(لک زایی، ۱۳۸۹: ۷) و مکتب امنیتی امام(ره)، مکتبی توحیدی متعالی است که بر تضادپنداری جفت‌های رایج در معارف دین‌گریز نظیر؛ علم و دین، دنیا و آخرت، سیاست و دیانت، و آرمان و واقعیت خط بطلان می‌کشد. (خسروی، ۱۳۹۰) اصول و مبانی مکتب امنیتی امام(ره)، یک کل به هم پیوسته است، به گونه‌ای که حذف هر یک از آن‌ها مسیر حرکت را منحرف می‌کند. همان‌گونه که مفهوم امنیت در اسلام، در قالب مجموعه و کل که ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، قضائی، انسانی و مانند آن‌ها را در بر می‌گیرد، تعریف شده است، نگاه امام خمینی(ره) به مفهوم امنیت نیز چون مبتنی بر مبانی دینی و الهی است، موسع و چندبعدی است. (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۱۰۳) با چنین نظام معرفت‌شناسانه‌ای، امام(ره) امنیت را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی توزیع و پراکنده می‌سازد تا قدرت تدافعی آن را در مرحله اول و قدرت تهاجمی آن را در مرحله دوم فراهم سازد. امام در رویکرد جهانی سازی اسلام ناب و تشیع علوی، سعی دارد با توزیع قدرت و امنیت، استکبار و ایادی شیطان را محدود و اقدام آنان را در هر سطح مهار سازد. بنابراین، امنیت در نگاه امام خمینی(ره)، جنبه‌ای عقیدتی و مهم‌تر از آن هویتی پیدا می‌کند که مبانی آن برگرفته از اسلام است و طرفین درگیر در تمام سطوح، دو دسته الهی و طاغوتی، مستضعف و مستکبر می‌باشند. (همان: ۱۰۳) ایشان معتقدند که اگر از مکتب اسلام پیروی گردد؛ آزادی، سعادت، نجات، استقلال و امنیت حاصل می‌گردد و ناامنی و انحرافات از جامعه دور خواهد شد و ایشان مکتب اسلام را سرمنشأ امنیت بشری می‌دانند؛

«امید است دانشمندان و متفکران روشن ضمیر، مزایای مکتب نجات‌بخش اسلام که کفیل سعادت همه جانبه بشر و هادی سبیل خیر در دنیا و آخرت و حافظ استقلال و آزادی ملت‌ها و مربی نفوس و مکمل نقیصه‌های نفسانی و روحانی و راهنمای زندگی انسانی است، برای عموم بیان کنند. مطمئن باشند با عرضه اسلام به آن‌طور که هست و اصلاح ابهام‌ها و کجروی‌ها و انحراف‌ها که به دست بدخواهان انجام یافته،

نفوس سالم بشر که از فطرت الله منحرف نشده و دستخوش اغراض باطله و هوس های حیوانی نگردیده، یکسره به آن روی آورند و از برکات و انوار آن بهره‌مند شوند.» (صحیفه امام، ج ۳: ۲۰۷)

با بررسی بیانات امام(ره) امنیت را می‌توان در مؤلفه‌هایی همچون؛ حفظ آزادی و استقلال، صیانت از جان و عفت، آرامش بلاد و هلاک دشمن، آسایش کامل، شرایط آرام داخلی، خنثی نمودن توطئه‌ها، حفظ نوامیس، اموال و شخصیت، اطمینان به ثمرات و انفس، صلح و آشتی در جامعه، حس عدم وجود خوف و ایجاد حالت اطمینان، صحت و رفاه، و در امان بودن مردم مشاهده نمود. (موسوی و قربی، ۱۳۹۳)

۴. امنیت در حکومت اسلامی از منظر امام خمینی(ره)

۴-۱. نظم بلاد و ایمن سازی کامل سامان سیاسی

بی سامانی اجتماعی به وجود نارسایی و شکست در یک نظام اجتماعی مربوط می‌شود که در آن اهداف جمعی و فردی اعضاء کمتر امکان تحقق می‌یابد و از این رو، سامان سیاسی و اجتماعی باید از امنیت برخوردار باشد زیرا بی سامانی سیاسی و اجتماعی زمینه ساز سیکل ناامنی، تهدید و آسیب‌های اجتماعی است. (رومینا و حسینی، ۱۳۹۱: ۱۱۳) پدیده ی امنیت و سیاست گذاری امنیتی در ابعاد داخلی و خارجی، همواره یکی از هدفهای دولت‌ها در عرصه ی قلمرو ملی و فراملی آنان بوده است. با بیان اوصاف، تأمین امنیت سرزمین و استحکام سامان سیاسی به عنوان یکی از مهمترین اولویت‌های آنها بوده است. (زارعی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۸) در این میان، مرزها حد فاصل بین المللی کشورها محسوب می‌شوند و با تعرض به مرزهاست که تمامیت ارضی به خطر می‌افتد (کریمی پور و کامران، ۱۳۸۰: ۵۶۵-۵۶۰) و لذا مرزها موجد حق و تکلیف برای دولت‌ها هستند. در این راستا، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حفظ تمامیت ارضی را در اصل نهم وظیفه دولت و آحاد ملت تلقی کرده است. (اصلانی و کاردل، ۱۳۹۱: ۳۱) با این اوصاف، رابطه مستقیمی بین جغرافیای طبیعی و انسانی با نظم و امنیت وجود دارد. (عبادی نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۷)

در بحث امنیت، اسلام به حد کامل آن نظر دارد که شامل وجود امنیت داخلی و استقلال و تمامیت سرحدات اسلامی و منافع و ایدئولوژی آن نیز می‌گردد. از این

رو، در اسلام برای تضمین این امنیت ضمن تأیید یک ارتش مناسب، استفاده از تمامی امکانات مادی با توکل به خدا و استعانت از امدادهای الهی نیز مد نظر می‌باشد. حد امنیت در اسلام، وجود آرامش کامل است؛ به طوری که در داخل کشور هیچ‌گونه خطری جان و مال مردم را تهدید نکند و از خارج نیز هیچ تهدیدی علیه سرحدات کشور اسلامی و مرزهای عقیدتی وجود نداشته باشد. (صادقیان، ۱۳۸۲: ۶۰) امام رضا(ع) یکی از ابعاد امامت را به سامان آمدن نظام مسلمانان، صلاح دنیا و عزت مومنان دانسته است (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۰۰) و تحقق این امر در گرو امنیت همه جانبه برای مردم است. (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۴۵۹)

اهمیت امنیت بلاد و سرزمین در اندیشه امام خمینی (ره) به حدی است که ایشان در اثر «تحریر الوسيله» مدعی می‌شوند؛ «اگر فعل خدای متعال باشد لازم است امری باشد که خواستن آن جایز باشد و طلب آن از خدای متعال پسندیده باشد مانند شفای مریض یا هلاکت دشمن دینی یا امنیت بلاد و مانند این‌ها.» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۲۶) در همین راستا، ایشان بر «تضمین امنیت داخلی علیه تحریکات داخلی» (صحیفه امام، ج ۴: ۲۴۷) تأکید می‌کنند و بیان می‌دارند که امنیت کشور باید در تمامی اقصا نقاط کشور تأمین گردد و نباید از هیچ منطقه‌ای از سرزمین غافل ماند و در عین حال، تمامی نقاط دور دست مملکت را باید ایمن ساخت؛

«نظر به این است که امنیت در همه کشور تحقق پیدا بکند، خصوصاً در سرحدات که باید امنیت بیشتر پیدا بشود و خصوصاً در مناطقی که مفسده جوها بیشتر هستند، بیشتر مورد توجه واقع باید بشود. امنیت ان شاء الله حاصل می‌شود.» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۱۵۵)

با این اوصاف، امنیت داخلی نیز حالتی از تفوق نظم و قانون در یک جامعه می‌باشد (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۵: ۶۵) و امام موكداً بیان می‌دارند؛ «شهرها را امن کنید و تسلط پیدا کنید بر شهرها از جهت امنیت.» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۴۰۰) البته امام (ره) نگرشی دو بعدی به ناامنی داشتند و علی‌رغم توجه به معطلات و عوامل ناامنی در داخل کشور، از عوامل خارجی ناامنی غافل نبودند و در همین راستا، تأمین امنیت سامان سیاسی را از عواملی نظیر جنگ خواستار بودند؛ «همه هم متحد هستید در این که هم امنیت داخلی و هم جنگ خارجی باید تأمین بشود.» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۱۸۵) ایشان در مصاحبه با روزنامه آلمانی «دنیای سوم» در این زمینه

می‌فرمایند؛ «ما بر اساس حفظ آزادی و استقلال...، امنیت آن را حفظ خواهیم کرد و مانع نفوذ ابر قدرت‌ها خواهیم شد.» (صحیفه امام، ج ۴: ۵۰۹)

۴-۲. آرامش عمومی در سطح جامعه

محیط آکنده از ترس، نگرانی و اضطراب، امکان فعالیت‌های اجتماعی را از شهروندان سلب نموده و یا انواع واکنش‌های مخرب را افزایش می‌دهد (عطارزاده، ۱۳۸۶: ۷۰) و همین امر باعث می‌شود که سازوکارهایی برای تحقق ایمنی و آرامش جامعه تعبیه گردند که از وظایف حکومت محسوب می‌گردد؛ زیرا فقدان آرامش عمومی در جامعه آثار منفی بسیاری بر جای خواهد گذاشت. امنیت در شرایطی ارتقا می‌یابد که جامعه در سطوح مطلوبی از همگرایی و همبستگی اجتماعی قرار داشته باشد. (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۱۰۲) در کنار این مسئله، رمز تامین امنیت و تثبیت نظام، مرهون نهادینه شدن ثبات و آرامش در داخل است تا نظام سیاسی بتواند در پرتو ثبات و زیست سیاسی مسالمت آمیز بین گروه‌ها و نگرش‌های سیاسی متفاوت، اهدافش را تعقیب نموده و از ائتلاف بیهوده توان ملی اجتناب کند. (کریمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۰) ثبات و آرامش در پیوند با واژه امنیت بارها در کلام و بیانات امام (ره) به کار رفته‌اند و ایشان امنیت را در مواقع بسیاری نیز مترادف آرامش و ثبات در فضای کشور قرار می‌دهند و پاسداری از نظام سیاسی منبعث از اسلام را در گرو امنیت زایی از طریق ثبات و رفع ناآرامی‌ها قرار می‌دهند و به تعبیر ایشان؛ «ما باید پاسدار اسلام باشیم. یک پاسداری از ملت است، یک پاسداری از بازار مسلمان‌ها و خانه‌های مسلمان‌ها، و از اشخاصی که می‌خواهند شلوغ بکنند و از این‌ها پاسداری می‌شود، که این‌ها را- شلوغکارها را- نگذارند شلوغ بکنند؛ دزدها را نگذارند که سلب امنیت بشود، جلوی خیانت‌ها را بگیرند. این یک قسم پاسداری است.» (صحیفه امام، ج ۸: ۳۷۹)

بی‌ثباتی و فضای متشنج مانع ایجاد محیطی امن و آکنده از ناملایمات است و زمینه‌های پیشرفت و رشد همه جانبه را از ملت سلب می‌نماید؛ «خود شما باید همراهی کنید تا تمام بشود و مملکت آرام بشود. وقتی آرام شد، آن وقت می‌شود این را مثلاً تعمیر کرد، این را اصلاح کرد؛...وقتی که حل شد، آرام شد، آن وقت ما می‌توانیم که مسائل اسلامی را در همه جا ببریم و همه جا تحت لوای اسلام ان شاء الله زندگی بکنند،

و زندگی راحت بکنند؛ دنیا و آخرتشان ان شاء الله تعمیر بشود.» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۲۷)

«دولت باید آرامش داخلی را به هر نحو است حفظ کند» (صحیفه امام، ج ۱: ۳۲۶) و حکومت اسلامی باید در این مسیر از هیچ گونه تلاش و عملی دریغ ننماید تا «ملت در پناه آن با آرامش و در سایه عدل زندگانی می‌کند.» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۴۶) امام در وصیت نامه خویش به مسئولین توصیه می‌کنند تا در گزینش افراد خدمتگذار دقت نمایند «تا آرامش در کشور هر چه بیشتر حکمفرما باشد.» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۵۴) ایشان حفظ نظام سیاسی و اسلام را در کنار حفظ آرامش در جامعه قرار می‌دهند و همگان را به سوی آرامش رهنمون می‌نمایند؛ «همه شما یک قوه هستید برای حفظ آرامش و برای حفظ کشورتان و برای حفظ اسلامتان. این یک تکلیفی است برای همه ما، مجلس باید این کار را انجام بدهد. دولت باید این کار را انجام بدهد، روحانیون باید این کار را انجام بدهند، ملت باید انجام بدهد و ارتش و سپاه هم باید انجام بدهند.» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۴۰۲)

۳-۴. رفاه و آسایش همگانی

میان تامین اجتماعی، رفاه و آسایش عمومی با امنیت جامعه ارتباط معنایی و مصداقی وجود دارد (نصری، ۱۳۹۱: ۷۵) و رفاه اجتماعی عبارت از مجموعه سازمان یافته ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب موسسات و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تامین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی انسان را فراهم آورد. (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۱۶-۱۷) بر اساس چنین بینشی است که مک نامارا تاکید می‌کند؛ «فقر به بی اعتمادی و تشنج داخلی و خشونت منتهی می‌شود. امنیت یعنی، توسعه و نه رشد سخت افزار نظامی. امنیت نه قدرت است و نه نیروی نظامی، بلکه توسعه است.» (حاجی میرعرب، ۱۳۷۶: ۳۸۴) به اعتقاد امام(ره)، برای رسیدن به کمال حقیقی نیاز است که به بهبود پیشرفت و رفاه مادی، معیشت و آسایش مردم در کنار تعالی معنوی افراد توجه شود و ایشان برخلاف نظر کسانی که توجه به مادیات را مانع رشد معنوی انسان تلقی می‌کنند، اعتقاد دارند که بهبود زندگی مادی مورد تایید اسلام است و دنیاگرایی به مفهوم اصل قرار گرفتن دنیا و آخرت را مذموم می‌دانند

ولی به مفهوم توجه به امور دنیایی در حد رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی و ایجاد یک زندگی مادی مناسب برای همه اقشار جامعه و آباد کردن جامعه اسلامی مورد تایید ایشان است. (طاهری بنچناری، ۱۳۸۸: ۱۱۴) در حدیثی از امام صادق(ع) آمده است: «پنج ویژگی است که اگر کسی یکی از آنها را از دست بدهد، همواره زندگی او ناقص، عقل او زائل و دل او مشغول خواهد بود. اولین آنها سلامتی، دومی امنیت، سوم گشایش در رزق، چهارم مونس و یار همدل... و پنجمی، که همه ویژگی‌ها را در خود جمع می‌کند، آسایش و گشایش در زندگی است.» (شیخ صدوق، بی تا: ۲۸۴، به نقل از: پرهیزکار، ۱۳۹۰: ۱۷۱) در عین حال، در احادیث اسلامی از امنیت به عنوان نعمتی گوارا یاد می‌شود که رفاه زندگی با امنیت معنا می‌یابد. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۸) با این اوصاف، ایجاد آسایش و رفاه در زندگی مردم یکی از ابزارهای کارآمدی دولت و حکومت از منظر امام خمینی(ره) می‌باشد. (خالقی، ۱۳۸۵: ۱۳۲) ایشان بیان می‌کنند:

«نوسازی و عمران در محیطی که آشفته است و مردم در امان نیستند مشکل یا غیر ممکن است. شما برادران عزیز کوشش کنید و آرامش را حفظ کنید. و بدانید که با آرامش کارها اصلاح می‌شود.» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۵۶)

تحصیل پیشرفت و تعالی برای نظام‌های سیاسی به تنهایی امکان پذیر نیست و نظام‌های سیاسی ناگزیر به تامین امنیت پایدار و همه جانبه امنیت در دو بعد مادی و ارزشی - معنوی در راستای بسترسازی برای پیشرفت هستند. (قریبی، ۱۳۹۲: ۱) تامین آسایش همگانی و رفاه شهروندی زمانی شدنی است که امنیت تحقق یابد و به همین دلیل امنیت انسانی از مهمترین مشخصه‌های رفاه اجتماعی تلقی می‌شود به نحوی که محور اصلی توسعه پایدار و همه جانبه را امنیت انسانی تشکیل می‌دهد که جنبه‌هایی نظیر درآمد، سلامت جسمی و روانی و غیره را در بر می‌گیرد. (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۷: ۶۳)

امنیت و رفاه دو ثمره حکومت اسلامی هستند و به تعبیر امام(ره)؛

«با استقرار حکومت اسلامی همه قشرهای ملت در کنار یکدیگر با امن و امان و رفاه، به خواست خدای متعال ادامه زندگی می‌دهند.» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۲۱)

به همین دلیل است که امام معتقدند «باید امنیت به ایران بازگردد و مردم شریف در کمال آسایش، زندگی نمایند.» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۰۴) در نظر ایشان، بر طرف کردن تهدیدات و استقرار نظم و ایمنی در سطح جامعه، رفاه و آسایش را به همراه خواهد داشت و امنیت یک نظام را با تا حدودی می‌توان با آسایش و رفاه سنجید. به تعبیری،

«لازم است از اختلافات داخلی که به نظر می‌رسد اکثرش با دست سازمان‌های خیانتکار ایجاد می‌شود تا با خیال راحت به زندگانی کثیف ظالمانه خود ادامه دهند، جداً احتراز کنید و کسانی که به این نحو اختلافات دامن می‌زنند تقبیح کنید. باید فداکاری کنید در ارجاع مجد و عظمت اسلام که مهمش عظمت معنوی آن است تا در پناه حکومت عدل الهی همه طبقات در رفاه و آسایش زندگی کنند.» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۴۷)

در جایی دیگر پیرامون آسایش چنین می‌فرمایند؛ «باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند، و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند، و قوه قضاییه را در دادخواهی‌ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند، و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند.» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۴۳)

از مهمترین ارکان امنیت ملی، ارتقای قابلیت پاسخگویی حکومت برای برآوردن نیازمندی‌ها و تامین مطالبات متنوع و خواسته‌های عاجل و آتی شهروندان است. (نک: علیزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۹-۱۷۸) چنین قابلیت با تامین رضایت مردم می‌تواند استواری، سامان‌یابی و ثبات دولت‌ها را موجب شود و با گسترش قاعده مقبولیت و مشروعیت آنها سازوکارهایی نرم‌افزاری را برای تامین امنیت ملی فراهم می‌کند. با تحقق رضایتمندی مردم و جلب اعتمادشان، توان حکومت برای اتکا به مشارکت رضایت‌آمیز آنها به منظور مقابله با تهدیدهای خارجی و دفاع از کشور در برابر حمله‌های خارجی و استیلاطلبی بیگانگان دو چندان می‌شود. با توجه به چنین تحلیلی است که امام (ره) بر ضرورت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عاجل و همه‌جانبه دولت برای بهبود سطح معیشت و شرایط رفاهی زندگی مردم، افزایش نرخ اشتغال زایی و کاهش میزان بی‌کاری، ارتقای سطح رفاه اجتماعی، تعدیل شکاف

بین فقیران و ثروتمندان، توزیع عادلانه ثروت و درآمد و به طور خلاصه، ریشه کن کردن فقر و اعمال سیاست‌های محرومیت زدا در کل جامعه تاکید کردند. (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۱۳۳)

۴-۴. در امان بودن جان، مال و نوامیس مردم

امنیت فردی از حقوق مسلم و طبیعی هر انسان است و بر همه لازم است که افزون بر حفظ امنیت فردی خود، از هرگونه تهدید امنیت دیگران پرهیز کنند (وطن دوست، ۱۳۸۶: ۱۰۲) و در فقه شیعه، مسائل مهمی در خصوص صیانت از جان و مال و ناموس مطرح شده است. (ر.ک: خوئی، ۱۳۹۱: ۱۷۴-۱۷۱) با این اوصاف، جان، مال، ناموس و حیثیت انسان‌ها از منظر امام خمینی(ره) محترم است و هرگونه تعرض به آن خلاف شرع می‌باشد. مردم مالک آبرو و حیثیت خود هستند و کسی حق ندارد به آن تعرض کند. با این اوصاف، مسکن، محل کار، رفت و آمد، مکاتبات، نوامیس، اسرار و دارایی‌های شخصی و غیره باید از آرامش و امنیت برخوردار باشند و حکومت اسلامی از دیدگاه امام(ره) موظف است که آرامش در این امور را فراهم نماید. (منتظر قائم، ۱۳۸۵: ۶۱-۵۸) به تعبیر امام(ره)؛

«ملت احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان

است.» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۴۰)

از منظر امام خمینی (ره) انسان باید «نسبت به جان و عفت خود امنیت داشته باشد.» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۳۶) به همین دلیل است که طی پیام هشت ماده ای خویش، امنیت جان، مال و نوامیس مردم را مهم خوانده و قوه قضائیه را سفارش به تأمین امنیت آن‌ها می‌نمایند؛

«از قوه قضائیه که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی و در حقیقت بار سنگین تأمین امنیت جان و نوامیس و اموال و شخصیت یک جامعه انقلابی را به عهده دارد تا فرماندهی قوای نظامی و انتظامی که مسئولیت امنیت مرزها و داخل کشور و خنثی نمودن صدها توطئه رنگارنگ به عهده آنان است و باید جلوی تخریب و جنایات منافقین و ضد انقلاب و اشاعه فحشا و منکرات و دزدی‌ها و قتل‌ها و مواد مخدر را بگیرند.» (صحیفه امام، ج ۲۰:

امام (ره) تأمین امنیت جان و مال و نوامیس مسلمین را واجب کفایی می‌دانند؛ «مسئله دفاع از... اموال و نوامیس مسلمین از واجبات کفایی است.» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۳۳۲) در جایی دیگر، حفاظت از جان، مال و نوامیس را امری شرعی، عقلی و الهی توصیف می‌کنند. (صحیفه امام، ج ۱۶: ۴۹۰) و می‌فرمایند؛ «وقتی که نوامیس مردم، جان‌های مردم، مال‌های مردم تحت نظر شماسست، نباید که مسامحه بشود... کمال دقت را کرد و با دقت اجرا کرد. مبادا- خدای نخواست- به دست یکی، یک ظلمی واقع بشود.» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۱۱۵) ایشان یکی از منابع اصلی تأمین امنیت جان، مال و نوامیس مردم را قوه قضائیه می‌دانند و تأکید می‌کنند تا تلاش نمایند مراقبت‌های لازم را برای امنیت اموال و ناموس مملکت اسلامی انجام دهند؛ «از مهمات امور مسأله قضاوت است که سر و کار آن با جان و مال و ناموس مردم است.» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۵۰)

۴-۵. تحصیل استقلال واقعی

اقتدار و استقلال واقعی اصلی اساسی در نظام آفرینش و در عین حال، اصلی بشری و فرادینی محسوب می‌شود که از مولفه‌های اصلی پایداری هر نظام سیاسی می‌باشد. (خانی، ۱۳۹۰: ۲۱۸) در برداشتی دیگر از امنیت، امام (ره) به استقلال، آزادی و بقای جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور به صورت مستقیم و غیرمستقیم اشاره می‌کنند (صحیفه امام، ج ۹: ۲۵) و ارتش را موظف به تضمین استقلال و آزادی کشور می‌نمایند؛ «ارتش باید پاسدار استقلال و امنیت کشور باشد نه حافظ یک دیکتاتوری مستبد.» (صحیفه امام، ج ۵: ۳۸۴) ایشان استقلال کشور را نمودی از امنیت پایدار می‌دانند اما اشاره می‌کنند که باید استقلال و آزادی نیز واقعی باشد و استقلال و رفاه ظاهری نمی‌تواند ملاک امنیت واقعی باشد. بنابراین باید استقلال کسب نمود و از بند قدرت‌های بزرگ رهایی یافت تا امنیت واقعی و باطنی حاکم گردد؛ «اگر کم و کسری در مملکت وجود دارد، ما متأثریم و دولت و مسئولین با همه توان خود در رفع کمبودها می‌کوشند و کارهای مهمی انجام داده‌اند که امیدوارم به یاری خداوند بهتر بشود. اگر ما تسلیم امریکا و ابرقدرت‌ها می‌شدیم، ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می‌شد و قبرستان‌های ما پر از شهدای عزیز ما نمی‌گردید، ولی مسلماً استقلال و آزادی و شرافتمان از بین

می‌رفت.» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۵) اقتدار و استقلال واقعی اصلی اساسی در نظام آفرینش و در عین حال، اصلی بشری و فرادینی محسوب می‌شود که از مولفه‌های اصلی پایداری هر نظام سیاسی می‌باشد و مورد تاکید امام خمینی(ره) می‌باشد. (خانی، ۱۳۹۰: ۲۱۸) البته در اندیشه امام(ره) امنیت سرزمینی و استقلال میهنی ارتباطی وثیق با استقلال فرهنگی دارد و به اعتقاد ایشان اگر فرهنگ و ارزش‌های الهی در جامعه از استقلال برخوردار باشند، آزادی و مستقل بودن به همراه آن به دست می‌آید. (سعادت‌مند، ۱۳۸۶: ۸۶ و بنچناری، ۱۳۸۸: ۱۰۹) به همین دلیل در اندیشه امام خمینی(ره)، کسب استقلال حقیقی منوط به زدودن و از بین بردن فرهنگ استعماری و غربی است. (قربی و جمشیدی، ۱۳۹۲: ۶۴-۶۲)

۴-۶. در امان بودن از بلاهای دنیوی و اخروی

بعد متعالی، دلالت بر کرامت انسانی به لحاظ دارا بودن جایگاه خلیفگی خداوند بر روی زمین و حامل بودن روح الهی دارد که شناخت آن برای انسان‌ها از طریق وحی و بر پایه ایمان حقیقی حاصل می‌شود. امنیت در این بعد، مستلزم امان یابی در مقابل غفلت و خواسته‌های نفسانی یا به عبارت دیگر، وسوسه‌های شیطانی است که در حوزه امور فردی و شخصی افراد قرار گرفته و تعیین کننده سعادت اخروی است. در مقابل، بعد دنیوی وجود انسان، دلالت بر کرامت انسانی در زندگی دنیوی به لحاظ ضرورت آگاهی و آزادی وی در انتخاب خیر و شر، به مثابه شرط امکان سعادت اخروی و فراهم ساختن بسترهای طبیعی و اجتماعی آن دارد. امنیت در این بعد، به صورت سلبی، مستلزم امان یابی در مقابل انواع تهدیدات طبیعی و اجتماعی است که آگاهی و آزادی انسانی را متأثر می‌سازد. (تقی لو و آدمی، ۱۳۸۹: ۶۰) در اندیشه امام(ره)، توجه به ایمان و معنویت دینی، منبع لایزالی از توانمندی‌ها تولید می‌کند که امنیت و بقای ملت و کشور با آن تضمین می‌گردد. (ره پیک، ۱۳۸۹: ۱۱۵) لاجرم، انسان باید تنها با ایمان به امنیت برسد و کفر عین ناامنی است. (غرایاق زندی، ۱۳۸۹: ۱۹)

امنیت به معنای آرامش تنها در درون انسان قابل لمس است و جایگاه واقعی بروز و ظهور آن، وجود انسان است. از این رو، انسانی که در این جهان پر آشوب پیوسته

در فراز و نشیب است تا هنگامی که به جایگاه مستحکمی تکیه نداشته باشد، که با هیچ حادثه‌ای به حرکت در نیاید، امکان امنیت راستین و حقیقی برای او محال خواهد بود. هیچ پدیده مادی وجود ندارد که بتواند برای همیشه امنیت آدمی در این جهان را تضمین کند. قدرت و موقعیت اجتماعی یا شغلی هر قدر هم مستحکم و بزرگ‌باشد سرانجام فرو خواهد ریخت و امنیتی که با اتکا به آن به وجود آمده است نیز بر باد خواهد رفت. همچنین امنیتی که بر پایه ثروت، شهرت، سلامت و تندرستی باشد نیز همچون دیگر پایه‌های مادی امنیت، پوشالی است. همچنان که تاریخ شاهد افول قارون‌ها، شدادها و بسیاری همانند آنها بوده و خواهد بود. امنیت راستین یعنی استقرار آرامش ثابت و تزلزل ناپذیر که این گونه امنیت تنها با بر پایگاهی استوار و جاودانه، که همان اعتقاد به آفریدگار و معاد است، به دست می‌آید. از این رو، تنها با باور داشتن آفریدگاری جاودانه که حاکم بی چون و چرای سراسر هستی است و حاکمیت قوانین و فرامین او بر جامعه بشری، امنیت راستین ممکن می‌شود و تحقق می‌یابد. پس می‌توان گفت پایه و اساس امنیت حقیقی، اعتقاد به حاکمیت مطلق خداوند بر تمامی پدیده‌های جهان در قالب دین توحیدی و باور داشتن به روز قیامت و زندگی اخروی است.

لذا برای دست یابی به امنیت واقعی، باید توحید را شناخت و به ویژه به حاکمیت آن در قلمرو حیات اجتماعی و جوامع انسانی آگاهی یافت و باور داشت. انسان گرویده به دین توحیدی و حاکمیت الله، تحت تاثیر این عقیده از ویژگی‌های مهمی چون امید بی پایان، شور و تلاشی خستگی ناپذیر، آسیب ناپذیری از ترس و طمع، وسعت دید و نظرگاه و جهت گیری درست و مشخصی برخوردار است و در این صورت است که آرامش و آسایش بر او حکمفرما شده و در امنیت به سر خواهد برد. (صادقیان، ۱۳۸۲: ۶۹-۷۰) امام (ره) امنیت را صرفاً مادی تصور نمی‌کنند و به ابعاد روحانی و معنوی آن توجه دارند زیرا انسان را تک ساحتی نمی‌نگرند و برای انسان‌ها دو کالبد روحانی و مادی قائل هستند و به همین دلیل، ایشان در برخی مواقع، امنیت را به معنای دور بودن از بلایای اخروی در نظر می‌گیرند و این برداشت را در

کنار بلایا و مشکلات این جهانی قرار می‌دهند. امام (ره) در آداب الصلاه در خصوص ایمنی از بلایا و عذاب آخروی چنین تقریر می‌نمایند که؛

«چنانچه ایمنی از عذاب را نیز مراتبی است. پس، کسی که به باطن و ظاهر و قلب و قالب در حصن حق واقع شود و به پناه او برود، از جمیع مراتب عذاب، که عذاب احتجاب از جمال حق و فراق از وصال محبوب جلّ و علا بالاترین آن‌ها است، ایمن شود.» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۲۲۳)

ایشان در خصوص تعریف در امان بودن و امنیت داشتن، به ایمنی از بلاء دنیا و عذاب آخرت اشاره می‌کنند؛

«امان است؛ یعنی، کسی که...ایمن از بلاء دنیا و عذاب آخرت شود.» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۳۶۸)

در نگاه امام خمینی(ره)، هدف اصلی دولت‌ها به عنوان متولیان اداره و تدبیر امور جوامع انسانی، جلوگیری از پیدایش مفسده و خروج آنها از دایره فطرت انسانی است. بر همین اساس، جهت‌گیری اصلی سیاست، علاوه بر تامین نیازمندی‌های مادی و دنیوی انسان‌ها، فراهم ساختن بسترهای مناسب برای توسعه و تعمیق معنویت و هدایت آنهاست. این نکته، وجه ممیزه رویکرد امام نسبت به دیگر متفکران در زمینه ابعاد امنیت می‌باشد. در اندیشه ایشان، امنیت اخروی انسان‌ها دارای اصالت می‌باشد و امنیت این جهانی در تمامی ابعادش را مقدمه ای برای بعد معنوی و روحانی می‌دانند. (درویشی، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۲۲) به تعبیر امام خمینی(ره)؛ «همه اینها مقدمه این است که یک آرامش یک سیر روحی پیدا بشود، یک هدایت به سوی خدا پیدا بشود. آن چیزی که اساس است سیر الی الله است، توجه به خدا است.» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۵۱)

نتیجه‌گیری

امام خمینی(ره) اهمیت زیادی برای امنیت قائل هستند و اندیشه ایشان حاکی از این هستند که تامین امنیت از مولفه‌های اصلی حکومت اسلامی است؛ زیرا شهروندان در حکومت باید از بلایا و آسیب‌های دنیوی و اخروی ایمن باشند و این مهم در پرتو نقش آفرینی حکومت اسلامی به دست می‌آید. در اندیشه امام خمینی(ره) شاهد این قضیه هستیم که امنیت از جمله نعمت‌های بزرگی است که

مجهول مانده و افراد تا زمانی که آن را از دست نداده اند، ارزش و اهمیت آن را در نمی‌یابند و به همین دلیل، امام بزرگوار همواره در دعا‌های خود تاکید داشتند که خداوند سلامتی و امنیت را به جامعه اسلامی و مومنین عطا نمایند. در عین حال، امنیت در اندیشه امام(ره) از جمله نعمت‌های گوارایی است که ممکن است مورد آزمایش واقع شود. در عین حال، امنیت در حکومت اسلامی دارای مصادیق مولفه‌های فراوانی است که با بررسی اندیشه‌های امام خمینی(ره) می‌توان به برخی از این مصادیق دست پیدا کرد. به عنوان نمونه می‌توان به حفظ آزادی و استقلال، صیانت از جان و عفت، آرامش بلاد و هلاک دشمن، آسایش کامل، شرایط آرام داخلی، خنثی نمودن توطئه‌ها، حفظ نوامیس، اموال و شخصیت، به ثمرات و انفس، صلح و آشتی در جامعه، حس عدم وجود خوف و ایجاد حالت اطمینان، صحت و رفاه، در امان بودن مردم و غیره به عنوان مصادیق امنیت در حکومت اسلامی اشاره کرد که در اندیشه‌های امام(ره) در دو بعد مادی و معنوی قابل تقسیم بندی هستند. به عبارتی دیگر، ایمنی در دو بعد مادی(سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، شخصی و...) و معنوی(اخروی) مورد توجه است که در یک بعد، آرامش و تعالی مادی و این جهانی را به همراه دارد و در بعد دیگر، سعادت و آرامش حقیقی آن جهانی را به همراه دارد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- اخوان کاظمی، بهرام(۱۳۸۷): «امنیت اقتصادی و راهکارهای تامین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی»، مطالعات قرآن و حدیث، سال اول، بهار و تابستان، شماره ۲.
- اخوان کاظمی، بهرام(۱۳۸۹): «امنیت؛ ابعاد و سازوکارهای تامین آن در روایات»، **حکومت اسلامی**، سال پانزدهم، تابستان، شماره ۲.
- آدمی، علی و دیگران(۱۳۹۰): «الزامات گذار به امنیت ملی پایدار»، *دانش سیاسی*، سال هفتم، پائیز و زمستان، شماره ۱۴.
- اصلانی، فیروز و محمود فرد کاردل(۱۳۹۱): «امنیت جمهوری اسلامی ایران و نهادهای سیاست گذار»، *حقوق*، پائیز، شماره ۳.

- افتخاری، اصغر و دیگران (۱۳۹۰): «بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، *راهبرد*، سال بیستم، پائیز، شماره ۶۰.
- افتخاری، اصغر و غلامحسین نمازی (۱۳۸۹): «امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری»، *دانش انتظامی*، سال دوازدهم، شماره ۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳): «مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت»، *مطالعات راهبردی*، سال هفتم، پائیز، شماره ۲۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱): *امنیت*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- امام خمینی (۱۳۷۶): *تحریر الوسیله*، ترجمه علی اسلامی، قم، انتشارات اسلامی حوزه.
- امام خمینی (۱۳۷۶): *مناسک حج (احکام مطابق با فتاوی حضرت امام خمینی)*، تهران، نشر عروج.
- امام خمینی (ره) (۱۳۶۸): *وصیت نامه سیاسی الهی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امام خمینی (ره) (۱۳۷۲): *آداب الصلوه*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره) (۱۳۷۵): *استفتائات*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- امام خمینی (ره) (۱۳۷۶): *شرح چهل حدیث*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره) (۱۳۷۷): *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره) (۱۳۸۵): *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امیرخانی، کاوه (۱۳۹۰): «مکتب امنیتی امام خمینی (ره)»، *مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، زمستان، شماره ۵۴.
- بمانیان، محمدرضا و هادی محمودنژاد (۱۳۸۷): «تحقیقی در سنجش عوامل تاثیرگذار بر احساس امنیت شهری»، *مدیریت شهری*، بهار، شماره ۱۹.
- پرهیزکار، غلامرضا (۱۳۹۰): «درآمدی بر مفاهیم مرتبط با نظریه اسلامی امنیت»، *معرفت سیاسی*، سال سوم، پائیز و زمستان، شماره ۶.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۵): *فرهنگ جغرافیای سیاسی*، تهران، نشر انتخاب.
- تقی لو، فرامرز و علی آدمی (۱۳۸۹): «امنیت و پیشارزش‌های آن در اندیشه سیاسی اسلام»، *مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، زمستان، شماره ۵۰.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸): «حکومت و رعایت؛ درآمدی بر فلسفه سیاسی حکومت در اسلام»، *دانش سیاسی*، سال پنجم، پائیز و زمستان، شماره ۲.

- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸): *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران، پژوهشکده امام خمینی.
- جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۸): «نقش امنیت اقتصادی در حفظ انقلاب اسلامی»، *انقلاب اسلامی*، سال پنجم، بهار، شماره ۱۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲): *مفاتیح الحیاه*، قم، نشر اسراء.
- حاجی میرعرب، مهرداد (۱۳۷۶): «امنیت خلیج فارس؛ تاثیرات متقابل امنیت ملی و منطقه ای»، در *توسعه و امنیت عمومی*، جلد اول، تهران، وزارت کشور.
- خالقی، علی (۱۳۸۵): *مشروعیت قدرت از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران، نشر عروج.
- خانی، حسین (۱۳۹۰): «مولفه‌های نظری اقتدار ملی در سیاست خارجی اسلامی با تاکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، در *امام خمینی (ره) و بنیان‌های نظری امنیت*، تهران، مطالعات راهبردی.
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۱): *مکتب امنیتی امام خمینی (ره)*، تهران، ابرار معاصر.
- خسروی، مرتضی (۱۳۹۴): *امنیت در قرآن*، تهران، دانشگاه دفاع ملی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۱): *مبانی تکمله المنهاج*، ترجمه علیرضا سعید، جلد دوم، تهران، انتشارات خرسندی.
- درویشی، فرهاد (۱۳۹۰): «ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی»، در *امام خمینی (ره) و بنیان‌های نظری امنیت*، تهران، مطالعات راهبردی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۶): *سیره نبوی*، دفتر چهارم، تهران، نشر دریا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲): *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دارالعلم.
- رجبی پور، محمود (۱۳۸۴): «درآمدی بر عوامل موثر بر احساس امنیت»، در *کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس*، جلد دوم، تهران، ناجا.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۵): «مفهوم امنیت در اندیشه سده‌های میانه»، *مطالعات راهبردی*، سال نهم، بهار، شماره ۳۱.
- ره پیک، سیامک (۱۳۸۹): «منابع و شیوه‌های تامین امنیت در اندیشه امام خمینی (ره)»، *مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، پاییز، شماره ۴۹.
- رومینا، ابراهیم و نوشین السادات حسینی (۱۳۹۱): «نظم و امنیت اجتماعی»، در *مبانی و مسائل امنیت اجتماعی*، جلد اول، به کوشش گروه پژوهشی جامعه و امنیت، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.

- زارعی، بهادر و دیگران(۱۳۹۲): «بررسی گفتمانهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **جغرافیای انسانی**، دوره ۴۵، بهار، شماره ۱.
- زاهدی اصل، محمد(۱۳۸۱): **مبانی رفاه اجتماعی**، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سعادت‌مند، رسول(۱۳۸۶): **فرهنگ خودسازی و خدمت رسانی از دیدگاه امام خمینی(ره)**، قم، تسنیم.
- سلیمانی، فاطمه(۱۳۸۹): «نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه»، **مطالعات راهبردی**، سال سیزدهم، زمستان، شماره ۵۰.
- شاکری، سیدرضا(۱۳۸۵): «قدرت به مثابه امنیت»، **مطالعات راهبردی**، سال نهم، زمستان، ۳۴.
- شاه حسینی، محسن(۱۳۷۶): «امنیت در فلسفه سیاسی اسلام»، در توسعه و امنیت عمومی، جلد اول، تهران، وزارت کشور.
- شیخ صدوق(۱۳۶۱): **معانی الاخبار**، به تحقیق اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی.
- شیخ صدوق(بی تا): **الخصال**، قم، جماعه المدرسین للحوزه العلمیه.
- صادقیان، سیدجلال(۱۳۸۲): «درآمدی بر امنیت و ابعاد و گستره آن»، **امنیت عمومی**، سال اول، بهار، شماره ۱.
- طاهری بنچناری، میثم(۱۳۸۸): **فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی(ره)**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عبادی نژاد، سیدعلی و دیگران(۱۳۸۸): «رابطه بین عوامل جغرافیایی و نظم و امنیت اجتماعی»، **انتظام اجتماعی**، سال اول، پائیز، شماره ۳.
- عباس زاده، هادی و کامران کرمی(۱۳۹۰): «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار»، **مطالعات راهبردی**، سال چهاردهم، بهار، شماره ۵۱.
- عطارزاده، مجتبی(۱۳۸۶): «امنیت مشارکت مدار دینی»، **امنیت عمومی**، سال دوم، بهار و تابستان، شماره ۲ و ۳.
- عزیززاده، اکبر(۱۳۸۱): **سیاست‌های فقرزدایی در کلام معصومین(ع)**، قم، پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- غرایق زندی، داود(۱۳۸۷): «مفهوم امنیت در قالب گونه‌های مختلف»، **مطالعات راهبردی**، سال یازدهم، زمستان، شماره ۴۲.
- غرایق زندی، داود(۱۳۸۹): «مفهوم امنیت ایمانی در قرآن کریم»، **مطالعات راهبردی**، سال سیزدهم، زمستان، شماره ۵۰.

- قربی، سید محمدجواد(۱۳۹۳): «مردم سالاری و امنیت انسانی؛ جایگاه مردم برای تأمین امنیت در نظام مردم سالاری از منظر امام خمینی^(ره)»، *مجموعه مقالات سومین همایش نظریه مردم سالاری دینی*، جلد اول، تهران، نشر معارف.
- قربی، سیدمحمدجواد و صدرالدین موسوی(۱۳۹۳): «بررسی مرجع امنیت در مکتب امنیتی امام خمینی(ره)»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال سوم، تابستان، شماره ۹.
- قربی، سیدمحمدجواد و محمدحسین جمشیدی(۱۳۹۲): «تهدیدهای فرهنگی در سطح مردم و حکومت از منظر امام خمینی^(ره)»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال دوم، تابستان، شماره ۵.
- قربی، سیدمحمدجواد(۱۳۹۲): «خوانش اخلاقی امنیت در بستر الگوی پیشرفت بومی؛ مطالعه ملزومات اجرایی شدن با رویکردی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- قربی، سیدمحمدجواد(۱۳۹۴): «مفهوم شناسی و راهکارهای تأمین امنیت از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی»، *چکیده مقالات دومین همایش سراسری امنیت پایدار*، تهران، دانشگاه امام حسین(ع).
- کریمی، علی و اکبر بابایی(۱۳۹۰): *امنیت ملی از منظر امام خمینی(ره)*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی پور، یدالله و حسن کامران(۱۳۸۰): «نگاهی نو به طبقه بندی استراتژیک مرزها»، *ادبیات و علوم انسانی*، زمستان.
- کریمی، علی و دیگران(۱۳۸۹): «تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، *مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، پائیز، شماره ۴۹.
- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب الزاری(۱۳۶۵): *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- لاریجانی، علی(۱۳۷۶): «سخنرانی در همایش توسعه و امنیت عمومی»، در *توسعه و امنیت عمومی*، جلد اول، تهران، وزارت کشور.
- لک زایی، نجف(۱۳۸۹): «فلسفه امنیت از منظر امام خمینی(ره)»، *مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، پائیز، شماره ۳.
- لک زایی، نجف(۱۳۹۲): «امنیت از دیدگاه آیت الله شهید بهشتی»، *بازخوانی اندیشه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهید بهشتی*، قم و تهران، انتشارات بقعه.
- محمدی ری شهری، محمد(۱۳۹۳): *فرهنگ نامه امنیت ملی*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
- محمود عبدالرحمن(بی تا): *المعجم المصطلحات والالفاظ الفقهیة*، جلد اول، بی جا، بی نا.

- منتظر قائم، مهدی(۱۳۸۵): *آزادی‌های شخصی و فکری از نظر امام خمینی(ره)*، تهران، نشر عروج.
- نصری، قدیر(۱۳۸۴): «جامعه شناسی امنیت ملی»، *مطالعات راهبردی*، سال هشتم، شماره ۲۸.
- نصری، قدیر(۱۳۹۱): «امنیت جامعه: معنا، محدوده و مولفه‌ها»، در *مبانی و مسائل امنیت اجتماعی*، جلد اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- وطن دوست، رضا(۱۳۸۶): «نگاهی به امنیت در آموزه‌های اسلامی»، *الهیات و حقوق*، پائیز، شماره ۲۵.